

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

مسعود فروزش راد

۱۶ جولای ۲۰۱۲

قتل عام عمومی یا به قول معروف Genocide

بخشی از تفسیر اخبار روز در هلند

امروز دهم جولای ۲۰۱۲ با پیدایش این آلبوم یکی از نظامی های باقی مانده قتل عام هالند در مستعمره اندونزی برای اولین بار ثابت شد که دولت هلند چه جنایاتی در اندونزی کرده است.

https://www.youtube.com/watch?v=ZT3AFJROUpk&list=HL1341950613&feature=mh_1olz

=====

<http://www.volkskrant.nl/vk/nl/2720/Nieuws/photoalbum/detail/3284424/362055/1/Een-rijtje-lijken-tussen-de-andere-kiekjes.dhtml>

تصاویر ذیل توسط یک کارمند بایگانی شهرداری یکی از شهرهای هالند در زباله دانی یکی از مناطق پیدا شده و در دسترس یکی از روزنامه های صبح هالند قرار گرفته است. این تصاویر از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ است که هالند در آن زمان مشغول سرکوبی آزادیخواهان اندونزیایی و کشتار دسته جمعی آنان بود. و بعد از آن و با همکاری امریکا با کودتا حکومت سوکارنو را از میان برداشت که موجب کشته شدن نزدیک به دو میلیون نفر از آزادیخواهان شد که بیشتر آنان کمونیست بودند. این تصاویر در آلبوم خصوصی یکی از نظامیان هالند بوده که وی آنها را به دور انداخته است. و برای اولین بار است که در تاریخ هلند و اندونزی چنین تصاویری پیدا شده و به نمایش گذارده شده است. تا کنون دولت هلند اگر هم از این قتل های عام خبر داشت بنا بر منافع مالی و حیثیتی از دادن چنین خبر هائی اجتناب می ورزید. زیرا باید طبق قوانین بین المللی به باز ماندگان این اشخاص قربانی خسارت می پرداخت ، ولی حالا می داند که اکثر این باز ماندگان در اثر کهولت از بین رفته اند و حالا کسی نیست

که ادعای خسارت نماید ، در ضمن مسأله حیثیتی هم دیگر با این همه کشت و کشتار جهانی ارزش خود را از دست داده زیرا در حال حاضر جمهوری اسلامی روی همه آنها از جمله هیتلر را سفید نموده است.

ناگفته نماند که کشور کوچک هالند در زمان جنگ دوم جهانی توسط المان نازی اشغال شد و خود مردم هالند برای بیرون انداختن اشغالگران و مبارزه با آنها سهم بسزائی داشتند در حالی که بسیاری از سرکردگان آنزمان رابطه خوبی با هیتلر داشتند.

ولی درست همزمان با آن خود ارتش هالند مشغول سرکوب جنبش آزادی خواهان در مستعمرات خود بود که یکی از بزرگترین آنها کشور اندونزی بود که از چهارصد سال پیش با همکاری کمپانی هند شرقی در اشغال این کشور بود و هنوز هم بعد از اتمام جنگ دوم جهانی دولت هالند دست از اشغالگری خود بر نداشته و همچنان مشغول سرکوبی آزادیخواهان اندونزی بود. گویا خود دولت هالند بعد از جنگ دوم جهانی هنوز از اشغالگری به وسیله المان نازی درس نگرفته و به کار خود ادامه می داد. همچنان که مشاهده می کنید این تصاویر کشتار دسته جمعی متعلق به سال ۱۹۴۷ می باشد .

دولت هالند هر سال مراسم جشن آزادی از زیر یوغ هیتلر بر قرار می کند در صورتی که در همان سالها چنانچه در این تصاویر مشاهده می کنید خود مشغول قتل عام مردم آزادی خواه و بیگناه این سرزمینها بوده است. یکی دیگر از نقاط سیاه تاریخی این کشور اشغال و کلنیزه کردن افریقای جنوبی توسط سرمایه داران این کشور می باشد و دولت هالند خود را در این راه مقصر نمی داند زیرا این کلنیزه کردن توسط سرمایه داران صورت می گرفته، ولی از درآمد های هنگفت الماس این سرزمینها هیچگونه دم نمی زند.

۳

لازم دیدم قبل از دیدن این تصاویر نظر شما را به یکی از افسانه های کتاب مقدس قدیم (تورات) جلب نمایم ، شاید این اولین قتل عام عمومی در تاریخ باشد که پسران یعقوب پیامبر به آن افتخار می کردند. و نام آن را دفاع از ناموس نهادند.

در اینجا کلمه مختون به معنای مرد ختنه شده می باشد.

قتل عام عمومی سالهای ۱۳۶۰ و درایران ۱۳۶۷ بی شباهت به این قتل عام های تاریخی نیست .

با مهر مسعود فروزش راد

تورات : کتاب پیدایش صفحه ۲۴

۱۷ و اما یعقوب به سگوت سفر کرد و خانه ای برای خود بنا نمود و برای مواشی خود سایبانها ساخت. از این سبب آن موضع به «سگوت» نامیده شد.

۱۸ پس چون یعقوب از فدان ارام مراجعت کرد، به سلامتی به شهر شکیم، در زمین کنعان آمد، و در مقابل شهر فرود آمد.

۱۹ و آن قطعه زمینی را که خیمه خود را در آن زده بود از بنی حمور، پدر شکیم، به صد قسیط خرید.

۲۰ و مذبحی در آنجا بنا نمود و آن را ایل الوهی اسرائیل نامید.

۲۳

24

۱ پس دینه، دخترلیه، که او را برای یعقوب زاییده بود، برای دیدن دختران آن ملک بیرون رفت.

۲ و چون شکیم بن حمور جوی که رئیس آن زمین بود، او را بدید، او را بگرفت و با او همخواب شده، وی را بی عصمت ساخت.

۳ و دلش به دینه، دختر یعقوب، بسته شده، عاشق آن دختر گشت، و سخنان دل آویز به آن دختر گفت.

۴ و شکیم به پدر خود، حمور خطاب کرده، گفت: این دختر را برای من به زنی بگیر.

۵ و یعقوب شنید که دخترش دینه را بی عصمت کرده است. و چون پسرانش با مواشی او در صحرا بودند، یعقوب سکوت کرد تا ایشان بیایند.

۶ و حمور، پدر شکیم نزد یعقوب بیرون آمد تا به وی سخن گوید.

۷ و چون پسران یعقوب این را شنیدند، از صحرا آمدند و غضبناک شده، خشم ایشان به شدت افروخته شد، زیرا که با دختر یعقوب همخواب شده، قباحتی در اسرائیل نموده بود و این عمل ناکردنی بود.

۸ پس حمور ایشان را خطاب کرده، گفت: دل پسر شکیم شیفته دختر شماست؛ او را به وی به زنی بدهید.

۹ و با ما مصاهرت نموده، دختران خود را به ما بدهید و دختران ما را برای خود بگیرید.

۱۰ و با ما ساکن شوید و زمین از آن شما باشد. در آن بمانید و تجارت کنید و در آن تصرف کنید.

۱۱ و با ما ساکن شوید و زمین از آن شما باشد. در آن بمانید و تجارت کنید و در آن تصرف کنید.

۱۱ و شکیم به پدر و برادران آن دخترگفت: «در نظر خود مرا منظور بدارید و آنچه به من یگویی، خواهم داد.

۱۲ مهر و پیشکش هر قدر زیاده از من بخواهید، آنچه بگویید، خواهم داد فقط دختر را به زنی به من بسپارید.

۱۳ اما پسران یعقوب در جواب شکیم و پدرش حمور به مکر سخن گفتند زیرا خواهر ایشان، دینه را بی عصمت کرده بود.

۱۴ پس بدیشان گفتند، «این کار را نمی توانیم کرد که خواهر خود را به شخصی ناسخون بدهیم، چونکه این برای ما ننگ است.

۱۵ لکن بدین شرط با شما همداستان می شویم اگر چون ما بشوید، که هر ذکوری از شما مختون گردد.

۱۶ آنگاه دختران خود را به شما دهیم و دختران شما را برای خود گیریم و با شما ساکن شده، یک قوم شویم.

۱۷ اما اگر سخن ما را اجابت نکنید و مختون نشوید، دختر خود را برداشته، از اینجا کوچ خواهیم کرد»

۱۸ و سخنان ایشان بنظر حمور و بنظر شکیم بن حمور پسند افتاد.

۱۹ و آن جوان در کردن این کار تأخیر ننمود، زیرا که شیفته دختر یعقوب بود، و او از همه اهل خانه پدرش گرامی تر بود.

۲۰ پس حمور و پسرش شکیم به دروازه شهر خود آمده، مردمان شهر خود را خطاب کرده، گفتند:

۲۱ این مردمان با ما صلاح اندیش هستند، پس در این زمین ساکن بشوند، و در آن تجارت کنند. اینک زمین از هر طرف برای ایشان وسیع است؛ دختران

ایشان را به زنی بگیریم و دختران خود را بدیشان بدهیم

۲۲ فقط بدین شرط ایشان با ما متفق خواهند شد تا با ما ساکن شده، یک قوم شویم که هر ذکوری از ما مختون شود، چنانکه ایشان مختونند.

۲۳ آیا مواشی ایشان و اموال ایشان و هر حیوانی که دارند، از آن ما نمی شود؟ فقط با ایشان همداستان شویم تا با ما ساکن شوند.»

۲۴ پس همه کسانی که به دروازه شهر او در آمدند، به سخن حمور و پسرش شکیم رضا دادند. و هر ذکوری از آنان که به دروازه شهر او درآمدند، مختون شدند.

۲۵ و در روز سوم چون دردمند بودند، دو پسر یعقوب، شمعون و لاوی، برادران دینه، هر یکی شمشیر خود را گرفته، دلیرانه بر شهر آمدند و همه مردان را کشتند.

۲۵ و در روز سوم چون دردمند بودند، دو پسر یعقوب، شمعون و لاوی، برادران دینه، هر یکی شمشیر خود را گرفته، دلیرانه بر شهر آمدند و همه مردان را کشتند.

۲۶ و حمور و پسرش شکیم را به دم شمشیر کشتند، و دینه را از خانه شکیم برداشته، بیرون آمدند.

۲۷ و پسران یعقوب بر کشتگان آمده، شهر را غارت کردند، زیرا خواهر ایشان را بی عصمت کرده بودند.

۲۸ و گله ها و رمه ها و الاغها و آنچه در شهر و آنچه در صحرا بود، گرفتند.

۲۹ و تمامی اموال ایشان و همه اطفال و زنان ایشان را به اسیری بردند و آنچه در خانه ها بود تاراج کردند.

۳۰ پس یعقوب به شمعون و لاوی گفت: مرا به اضطراب انداختید، و مرا نزد سکنه این زمین، یعنی کنعانیان و فریزیان مکروه ساختید، و من در شماره قلیل، همانا بر من جمع شوند و مرا بزنند و من با خانه ام هلاک شوم.

۳۱ گفتند: آیا او با خواهر ما مثل فاحشه عمل کند؟

۳۵

۱ و خدا به یعقوب گفت: برخاسته، به بیت ئیل برآی و در آنجا ساکن شو و آنجا برای خدایی که بر تو ظاهر شد، وقتی که از حضور برادرت، عیسو فرار کردی مذبحی بساز.

۲ پس یعقوب به اهل خانه و همه کسانی که با وی بودند، گفت: خدایان بیگانه ای را که در میان شماست، دور کنید و خویشی را طاهر سازید و رختهای خود را عوض کنید.

۳ تا برخاسته، به بیت ئیل برویم و آنجا برای آن خدایی که در روز تنگی من، مرا اجابت فرمود و در راهی که رفتم با من می بود، مذبحی بسازم.

۴ آنگاه همه خدایان بیگانه را که در دست ایشان بود، به یعقوب دادند، با گوشواره هایی که در گوشهای ایشان بود، و یعقوب آنها را زیر بلوطی که در شکیم بود دفن کرد.

۵ پس کوچ کردند و خوف خدا بر شهرهای گرداگرد ایشان بود، که بنی یعقوب را تعاقب نکردند.

۶ و یعقوب به لوز که در زمین کنعان واقع سات، و همان بیت ئیل باشد، رسید. او با تمامی قوم که با وی بودند.

۶ و یعقوب به لوز که در زمین کنعان واقع سات، و همان بیت ئیل باشد، رسید. او با تمامی قوم که با وی بودند.

۷ و در آنجا مذبحی بنا نمود و آن مکان را «ایل بیت ئیل» نامید. زیرا در آنجا خدا بر وی ظاهر شده بود، هنگامی که از حضور برادر خود می گریخت.

۸ و دوبره دایه رفقه مرد. و او را زیر درخت بلوط تحت بیت ئیل دفن کردند، و آن را «الون پاکوت» نامید.

۹ و خدا بار دیگر بر یعقوب ظاهر شد، وقتی که از فدان ارام آمد، و او را برکت داد.

25

۱۰ و خدا به وی گفت: نام تو یعقوب است اما بعد از این نام تو یعقوب خوانده نشود، بلکه اسرائیل خواهد بود. پس او را اسرائیل نام نهاد.

۱۱ و خدا وی را گفت: من خدای قادر مطلق هستم. بارور و کثیر شو. امتی و جماعتی از امتها از تو بوجود آیند، و از صلب تو پادشاهان پدید شوند.

۱۲ و زمینی که به ابراهیم و اسحاق دادم، به تو دهم، و به ذریت بعد از تو، این زمین را خواهم داد.

۱۳ پس خدا از آنجایی که با وی سخن گفت، از نزد وی صعود نمود.

۱۴ و یعقوب ستونی برپا داشت، در جایی که با وی تکلم نمود، ستونی از سنگ، و هدیه ای ریختنی بر آن ریخت، و آن را به روغن تدفین کرد.

۱۵ پس یعقوب آن مکان را که خدا با وی در آنجا سخن گفته بود، «بیت ئیل» نامید.



Voor het eerst zijn er foto's opgedoken van executies door Nederlandse soldaten van Indonesiërs tijdens de zogenoemde politioele acties in voormalig Nederlands-Indië. De foto's komen uit het privéalbum van soldaat Jacobus R., die als dienstplichtige diende in Indonesië. Zijn album werd gevonden in Enschede door een medewerker van het gemeentearchief, in een vuilcontainer. Kiekjes, voornamelijk, zonder toelichting of onderschrift, en twee foto's van daadwerkelijke executies (de eerste twee afbeeldingen).

Foto's afkomstig uit het album van Jacobus R., © Peter Lipton / de Volkskrant

For the first time, pictures surfaced of executions by Dutch soldiers of Indonesians during the so-called police actions in the former Dutch East Indies. The photographs come from the private album of soldier James R., who served as a conscript in Indonesia. His album was found in Enschede by an employee of the municipal archives, in a Dumpster. Snapshots, mostly without explanation or caption, and two photographs of actual executions (the first two pictures).

Photos from the album of James R., © Peter Lipton / The Times



















